هوالله

مصر

جناب میرزا ابوالقاسم گلستان

هوالله

ای بندهٴ الهی آنچه مرقوم نموده بودی واضح و معلوم شد نامه نبود ناله بود بیان نبود آه و فغان بود حقّ با شماست زیرا درندگان یزد و گرگان اصفهان گوی سبقت و پیشی را از میدان کلاب و ذئاب ربودند و دست تطاول گشودند و بخون مظلومان آلودند هرگز چنین واقعه‌ئی شنیده نگشت و دیده نشد حزب مظلومان مانند غزالان برّ وحدت بودند و ظالمان مانند کلاب مزابل شقاوت دیگر محتاج بیان نه که چه کردند و چه روا داشتند واقعهٴ کربلا را و مظلومیّت حضرت سیّدالشّهدآء روحی له الفدآء را فراموش نمودند رجال را قطعه قطعه کردند و بآتش و نفت بسوختند سینه‌ها را دریدند و جگرها را مکیدند و سرها را بریدند و اطفال را گزیدند و بعضی از نساء را نیز شهید نمودند و بعضی را بعقوبت شدید انداختند اموال را تالان و تاراج کردند و خانه‌ها را سوختند در چه عصری چنین ظلمی وارد و در چه عهدی چنین ستمی حاصل الا لعنة اللّه علی القوم الظّالمین قل

 اللّهمّ انت المهیمن علی الأشیآء و انت الشّاهد علی ما ارتکبها الزّنمآء ربّ تری اجساد الشّهدآء فی میدان الفدآء ارباً اربا و تنظر دمآء السّعدآء مرشوشة علی الثّری و اموال الأصفیآء منهوبة بید الأعدآء و بیوت الأحبّآء محترقة بنار البغضآء و ربّات الحجال اسرآء بید الجهّال و الصّبیان مضطهدین فی ید الأشقیآء الهی الهی انظر الی شقاوة هؤلآء و شهادة هؤلآء و قساوة هؤلآء و بشارة هؤلآء و ظلم هؤلآء و مظلومیّة هؤلآء ربّ احفظهم بسلطانک الغالب علی الأشیآء و احرسهم بعین کلاءتک و حمایتک بین الوری ربّ امنع عنهم ایادی طالت و سهاماً صوّبت و اسنّةً اشرعت و انیاباً کشّرت و براثناً اشتدّت انّک انت الحافظ الحارس المقتدر العزیز المختار

 ای بندهٴ الهی حال حضور اهل و عیال را قدری تأخیر اندازید تا بعد بمقتضای وقت مأمول گردد ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۴، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر